



تعلیم و تربیت در ایران باستان

در شماره قبل نوشتیم که تعلیم و تربیت در ایران باستان از جای گاهی ویژه برخوردار بود. مکتب‌های آن دوره رنگی کاملاً مذهبی داشتند و معلمان نیز بیشتر روحانی بودند. آیین زرتشت به گسترش تعلیم و تربیت مذهبی از نوع زرتشتی، تأکید فراوان داشت و

کوشش‌هایی که در تربیت افراد از همان کودکی به عمل می‌آمد نشان می‌دهد که تربیت در جنبه‌ی اخلاقی از سایر جنبه‌ها مهم‌تر بود. «از تربیت آن دوره این بود که افراد را از کودکی آراسته به زیور اخلاق و مفید به حال کشور و جامعه بار آورند» (۱۵).

آیین زرتشت به طور آشکار و نهان در رفتارها و مبانی تربیتی ایرانیان در دوران باستان تأثیر گذاشته است. مهم‌ترین مسایل اعتقادی دین زرتشتی، اعتقاد به اصل دین و عمل به آن است. «من اقرار می‌کنم که مزداپرست و زرتشتی با ایمان اعتقادم. من اعتقاد دارم به پندار نیک اندیشیده؛ من ایمان دارم به سخن نیک گفته شده؛ من ایمان دارم به کردار نیک کرده شده» (۱۶).

در دوره مادها که مردم متأثر از آیین‌های پیش از دین زرتشت مثل مزداپرستی بودند، به دو هدف بزرگ آموزشی بیشتر توجه می‌شد: «غلبه بر بدی‌های محیط و در نتیجه سعی و عمل و حفظ و پرورش ملیت خود مقابل بیگانگان بخصوص آشوری‌ها» (۱۷). تربیت در دوران هخامنشیان و پس از آن‌ها با آیین زرتشتی و متأثر از آیین‌های پیش از زرتشتی همراه بود که اهداف آن ایجاد خصلت‌ها و فضایل اخلاقی و راستی بود. «برای مردان بخصوص شجاعت اهمیت داشت در حالی که زنان بایستی نمونه متانت باشند» (۱۸).

بدین ترتیب افراد از ابتدای کودکی با آیین زرتشتی آشنا می‌شدند و ملزوم به رعایت دستورهای اخلاقی آن می‌گشتند.

در وندیداد فرگرد ۳ فقره ۴۲ آمده است که «ای اسپهتمان زرتشت، ورود در دین مزدایسنی، مرد پارسا را از نیت بد و گفتار و کردار بد پاک کند مانند باد سخت تندی که از جو جنوبی (وزیده همه جا را) پاک کند. ای زرتشت، در این جهان کار نیکو خوب است، دین مزدایسنی خوب است که تمام بدی‌ها را باطل می‌کند».

۱۴- اسداله بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، چاپ‌خانه روستایی، ۱۳۶۱، ص ۳۱.

۱۵- محمدجواد مشکور، تاریخ ایران زمین، اشراقی، ۱۳۶۶، ص ۵۲.

۱۶- یسنای ۱۲، فقره ۸، ص ۱۸۸.

۱۷- اسداله بیژن، چشم‌انداز تربیت در ایران قبل از اسلام، تهران، ۱۳۱۵، ص ۳۰.

۱۸- فردریک مایر، تاریخ فلسفه تربیتی، ترجمه علی‌اصغر فیاض، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ص ۹۱.

به هر حال، برای سلامت جسمی و روحی یعنی روان پاک و جسم نیرومند افراد، برنامه‌ها و روش‌هایی تعیین می‌شد و طبق آن‌ها به تعلیم و تربیت مردم می‌پرداختند. این برنامه‌ها و روش‌ها متناسب با منظورها و هدف‌های تربیتی زیر اعمال می‌شد:

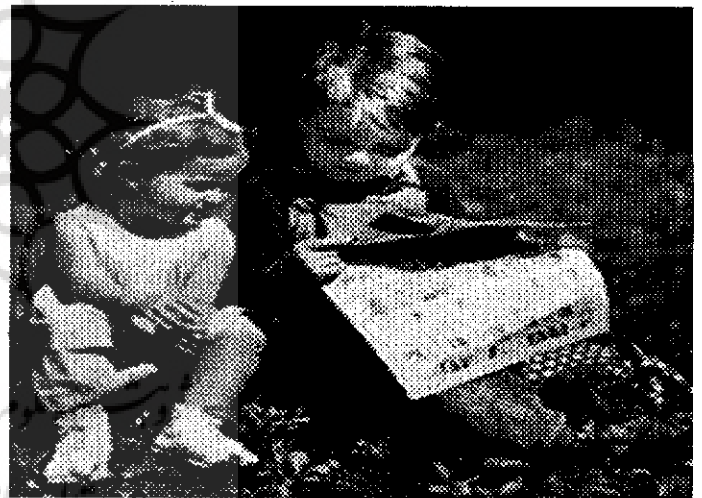
۱- هدف‌های دینی و اخلاقی

۲- هدف‌های اجتماعی و ملی

۳- هدف‌های هنری، فنی و دانشی

۴- هدف‌های تندرستی و نیرومندی بدن

ارزش بین‌المللی دولت‌ها در راستای گسترش تعلیم و تربیت همگانی سنجیده می‌شود.



هدف‌های تربیتی دینی و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین هدف‌ها و منظوره‌های تربیتی در دوران باستان ایران هدف‌های دینی و اخلاقی بود. دین و اخلاق، از روزگاران کهن، پایه‌های اساسی بنیان‌های فکری این سرزمین بوده‌اند.

«اساس تمدن و شهرنشینی و مذهب ایران قبل از مادها و در زمان زرتشت بر هزاران منظور اخلاقی مانند درستی، راستی، راستگویی، عدالت و نظم استوار بود. منظور اخلاقی اوستا بسیار وسیع بود. به همین گونه ایرانی باید با تمام بدی‌ها که مظاهر اهریمنان زشت کارند بجنگد و شهامت و مردانگی را بر حیات خود حکمروایی دهد» (۱۴).

رعایت همین ویژگی‌های و مبانی، باعث والامقامی تمدن‌های باستانی ایران شد و دلیل انحطاط آن‌ها نیز دوری از همین مبانی و اندوخته‌های معنوی بود.



هدف‌های تربیتی، اجتماعی و ملی

در این جنبه، هدف نهایی آماده کردن هر فرد ایرانی برای زندگی در جامعه ایرانی و شرکت در امور قومی بوده است. برای رسیدن به این منظور، کوشش‌هایی که

انجام می‌شد شامل: موارد زیر بود:



یادگارهای او را از دست برد فنا و خرابی نگاه دارند.
۴- مسئولیت حفظ ایران و نگهبانی کشور و دفاع در برابر دشمن

و ملت‌های دیگر پیش می‌آمد، مطرح شد. در صورت هجوم و نفوذ بیگانگان درون این سرزمین لزوم نگهبانی از مرز و بوم و دفاع در

داریوش کبیر می‌گوید: «هورامزدا پادشاهی را به من بخشیده است. من به اراده هورامزدا پادشاه شده‌ام. (بند پنجم - کتیبه‌ی بی‌ستون)».

برابر دشمن، ایجاب می‌کرد که جوانان دلیر و ایران‌دوست و غیور از کیان و آب و خاک این سرزمین پاسداری کنند. برای ایجاد چنین روحیه‌ای دستورها و الگوهای چندی در احکام اوستا وجود داشت. از جمله، فرشتگان اوستایی که خود بهترین سرمشق ایران دوستی محسوب می‌شدند. مثلاً صفاتی که برای «مهر» تعیین شده که ایزد نگهبان عهد و پیمان است، حمایت این فرشته‌ی بزرگ اوستایی از سرزمین‌های ایرانی را می‌رساند و باعث تقویت روح وطن‌پرستی در ایرانیان بود.

با ورود اسکندر و مقدونی‌ها به ایران، فصل جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد و لزوم جدی‌تر حفظ استقلال کشور و دفع بیگانگان احساس



۱- خدمت به خانواده و حفظ آن

خانواده پدیده‌ای از زندگی اجتماعی است. شخص مزدپرست، آرمان‌ها و آرزوهایی را در مورد زندگی خانوادگی از جهت اهمیت این واحد در زندگی اجتماعی در نظر دارد: «در خانه من رضایت‌مندی بیاید، فراوانی، بی‌غمی و قدردانی از نیکوکاران و پارسایان پیدا شود» (۱۹).

در ایران باستان کوش می‌شد تا مردم اجتماعی بار آیند و یاری و همکاری را شعار خود سازند. در اوستا، از راهزنان و دروغ‌گویان و جادوگران که باعث بر هم زدن نظم خانوادگی و نظام اجتماعی هستند به بدی یاد شده است. «کسی که پندار یا گفتار یا کردارش بد است و کسی که پیرو آیین زشت است. کسی که به دوستان خود آزار رساند، کسی که خویشان، خود را آزار رساند، چنین کسی از آب مملکت ما بهره‌مند مباد» (۲۰).

۲- خدمت به جامعه و عضو مفید آن بودن

البته لازمه‌ی این امر، مهار کردن خودخواهی و آشنایی با حقوق خود و دیگران و انجام وظایف و مسؤولیت‌های فردی و جمعی بود. در یسنا چنین آمده است: «بده به من ای هورامزدا..... فرزندان رسا و کاردان، آیین‌گستر، کشور و انجمن آرا، با هم بالنده، نیکاندیش، از تنگنا رهاننده، خوب هوش که از برای من افزایش دهند خان و مان راه، دبه راه، شهر راه، کشور را و نام و آوازه کشور را» (۲۱).

۳- حفظ آثار و مفاخر ملی

در این بخش سعی بر این بود که افراد افتخارات نژادی و قومی را گرامی بدارند. در سنگ نوشته‌ی طاق بستان، داریوش از خدا برکت فرزندان بسیاری و خانواده بزرگ برای آثانی درخواست می‌کند که آثار و

گردید. کوشش‌ها و مبارزات طولانی اشکانی‌ها که سرانجام باعث بیرون راندن بیگانگان شد کاملاً در جهت همین هدف‌ها پایه‌ریزی شده بود.

۱۹- یسناهای ۷، فقره ۲ و ۳، ص ۱۵۰.

۲۰- یسناهای ۶۵، فقره ۷، ص ۹۱.

۲۱- یسناهای ۶۲، فقره ۵، ص ۷۲.

ادامه در صفحه بعد



اندیشه و گفتار و کردار و از برای کامیابی (۲۳).
نادانی نزد ایرانیان باستان بسیار ناپسند بود زیرا برانگیخته‌ی اهریمن و باعث غلبه‌ی تیرگی دیوان بر روان آدمی است و باید با آن

جنگید. یکی از لیزدان بزرگ اوستایی «چیستا» ایزد دانش است. در واقع این ایزد، یکی از مظاهر اهورامزدا پشتیبان دانش و پروراندن آن است. یک زرتشتی درست‌کار و نیکوکار از او تبعیت می‌کند. «چیستا، راست‌ترین علم مزدا آفریده مقدس را می‌ستاییم (۲۴)».

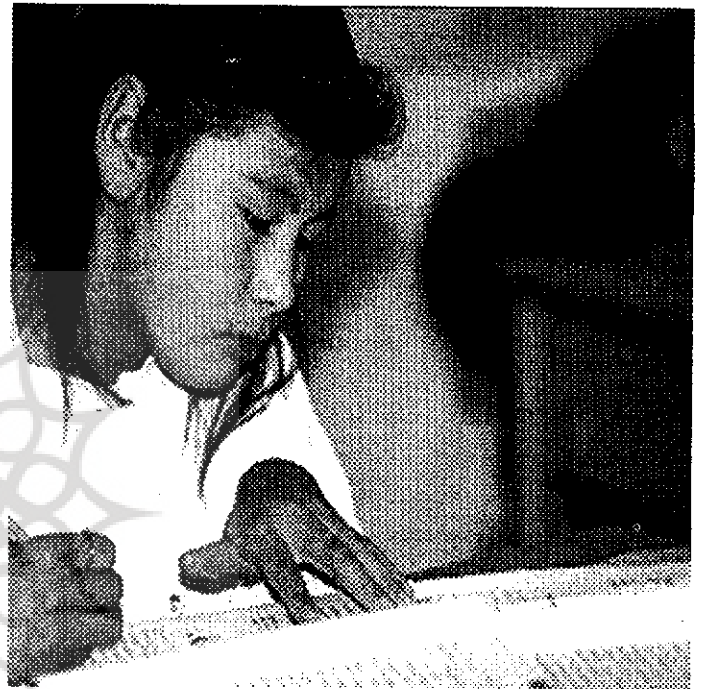
اهداف تربیتی بهداشتی و نیرومندی بدن

بنا بر اعتقاد زرتشتیان، تن و روان پیوستگی نزدیک و عمیقی با یکدیگر دارند. دکتر «کازارتلی (۲۵)» در کتاب «فلسفه زرتشت» می‌نویسد که جمله «عقل سالم در بدن سالم» یکی از ضرب‌المثل‌های معروف زرتشتیان بوده است زیرا تن و روان را همیشه به یکدیگر وابسته می‌دانستند.

در اوستا هر زرتشتی پنج چیز از خدا خواهان است: «نخست بهشت، دوم نیروی تن، سوم زندگی بلند روح، چهارم کامروایی در شکستن دروغ، پنجم آگاهی از راهزنان. هر زرتشتی باید اول برای توانایی تن دعا کند سپس برای توانایی دماغ زیرا این وابسته به آن است (۲۶)».

هر زرتشتی معتقد است که شرّ زاینده اهریمن است و وظیفه‌ی هر زرتشتی دفع اشرار است. آن اشرار، بیماری‌ها و ناخوشی‌ها، پلیدی‌ها و زشتی‌ها هستند. بنابراین هر زرتشتی باید با انواع بیماری‌ها و پلیدی‌ها مبارزه کند و پاک و سلامت باشد.

مسئولیت کشورداری و حفظ شیرازه ملی وسعت قلمرو فرمانروایی ایران به ویژه در زمان هخامنشیان و درهم‌آمیختگی ملت‌های مختلف با لهجه‌ها و عادت‌ها و اخلاق گوناگون و وضعیت جغرافیایی متفاوت از یکدیگر، ضرورت حفظ شیرازه ملی را ایجاب می‌کرد. خرد و مدیریت بسیاری لازم بود تا تمام این اقوام و ملت‌های مختلف را بتوان با حسن روابط متقابل کنار هم گردآورد و برخورد مسالمت‌آمیزی در جهت یک هدف مشترک ایجاد کرد. در زمان سلوکیان و اشکانیان ضرورت این مهم بسیار احساس می‌شد زیرا بیگانگان در کشور رخنه کرده و فرهنگ و سیاست خود را



بر این کشور حاکم کرده بودند. برای رعایت این امر «کشور محتاج به افسران لایق و سلحشوران میهن‌پرست و زبردست و باهوش بود تا این‌که این‌ها بتوانند با ایجاد نظم و اداره نمودن ارتش هر گونه تمرّد محلی و عوامل گسست دیگر را براندازند (۲۲)».

عوامل مؤثر در تربیت

در اوستا آمده است: «کسانی حق پیشوایی و رهبری مردم را دارند که خردمند، آزموده، دانش‌پژوه و دانشمند باشند».

الف - عوامل مذهبی
ب - عوامل سیاسی

عوامل مؤثر در تربیت با ویژگی‌های خود، تعیین‌کننده روش‌ها و هدف‌ها و اصول تعلیم و تربیت می‌شوند.

ادامه دارد

هدف‌های تربیتی هنری - فنی و دانشی

با ورود اقوام مختلف و ملت‌های گوناگون و گستردگی قلمرو فرمانروایی ایران، لازم بود که فنون و حرفه‌های مختلف و تربیت متخصصین برای اداره این کشور پهناور ایجاد شود. افراد هم به منظور زندگی فردی و هم زندگی اجتماعی پیشه‌های گوناگون را می‌آموختند. اما رفته‌رفته آموختن فنون و پیشه‌های مختلف چنان اهمیت یافت که حتی آنان که از لحاظ فردی در رفاه بودند و به آموختن و به کار بستن کارهای حرفه‌ای نیاز نداشتند، آن را می‌آموختند.

جنبه‌ی دانشی و علمی را نیز از سفارشات مختلفی که در اوستا نسبت به اهمیت علم و دانش شده است، درمی‌یابیم. «اورا (علم را) بستود زرتشت، از برای نیک اندیشیدن و گفتن و رفتار نمودن و در

- ۲۲- اسداله بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، چاپخانه روستایی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۴.
۲۳- بیشت‌ها، ج ۲، ص ۱۷۵.
۲۴- بیشت‌ها، ج ۲، ص ۱۷۴.
۲۵- Casartelli
۲۶- بیسناهای ۹، فقره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۶۵.